

چه سود از ادبیات؟

دکتر منوچهر ستوده داستان خواندن را کاری "احمقانه" می داند.

با سپاس فراوان از دوست گرامی و نویسنده توانا آقای سهراب فرسیو که دیگر بار نکته ای باریک دریافته به همخوانی گذاشته است.

کوشش کارشناسانه ایشان و فراهم آوردن گواهیهای درخور به راستی ستودنی ست.

اینک باید پرسید که دانشی مردی بنام همچون دکتر ستوده برای بازگویی دیدگاه خود چرا این گونه واژه های خوار کننده به کار برده است؟ پس از مردم بی دانش چه چیزها بر زبان تواند و خواهد آمد؟

چگونه است که وی درباره پدیده ای داوری می کند که خود می گوید از آن هیچ نمی داند؟

مگر آن نیست که رمان و ناول و ... گونه امروزی و نوین داستان و قصه گویی های کهن است؟

می شود آیا که او در کودکی قصه نشینده، در دبستان

و یا در دبیرستان هم کلیله دمنه و مانده های آن را نخوانده باشد و به وی نگفته باشند اینها همه پند و اندرز و رهنمون است؟

پس، مگر "کشتن مرغ مینا"، یا مانده های آن که پیامد آنها بهسازی جامعه و پیوند آدمیان بوده رمان/قصه نیست؟

پند و اندرز نیست؟

افزون بر این، مگر ایرانشناسی چون او نمی داند که مردم باختری، اروپاییان، همه آن نوشته ها که از گذشته ما در دسترس بود یافتند و خواندند تا بشناسند و کار همین است.

ما اگر نخوانیم چگونه بشناسیم؟

خس، خسانه می رود بر روی آب

آب صافی می رود بی اضطراب

3

کشتن مرغ مینا
اولین و تنها رمان منوچهر ستوده در سال ۱۳۰۰

توماس هایڈ Thomas Hyde خاورشناس انگلیسی زاده ۲۹ ژوئن ۱۸۲۴ - مرگ ۱۸ فوریه ۱۷۰۲ ر. بهار ۱۳۰۰

برای شناساندن امریکایی ها آیا رمانی مطمئن تر از خواندن کتاب و دیدن فیلم «کشتن مرغ مینا» (و نظیر آن) وجود دارد؟

استاد بزرگ چهره‌ی ماندگار جناب آقای دکتر **منوچهر ستوده**: «خواندن رمان کاری احمقانه و وقت تلف کردن است!» (مستند: با نگارنده، سال ۱۳۲۱)

در این پنصد سال غربی‌ها نگفتند فلان کتاب ایرانی‌ها احمقانه و فلان کتابشان مزخرف است، شروع کردند از دم به‌خوردن، از کتبی‌ترین آثار تا چندینویزین.

«بنده تا به‌امروز یک رمان نخوانده‌ام و از این مزخرفات هم نخواهم خواند!»
صحنه‌ی نمایش «کشتن مرغ مینا» در تئاتر محرم (مطابق)

آیا استاد نمی‌داند گربه فی سبیل‌الله موش نمی‌کشد؟ امروزه دیگر کودن‌ترین آدم‌ها هم باید بتوانند نتایج مرارت‌ها و هزینه‌های سیصد ساله‌ی غربی‌ها برای درک ادبیات، هنرها و فراگیری زبان‌ها را به‌چشم ببینند و در قیاس، دلیل عقاب‌ماندگی جبران‌ناپذیر خودمان را بفهمند. ما بدبخت ترس از معاینه‌ی پدیده‌های جدید هستیم. (رمان برای این استاد هنوز جدید است)

ضمن اینکه مثل اکثر هموطنان نتوانده ملاحظه، به‌عصر صد ساله‌اش یک رمان نخوانده، اما می‌داند مزخرف است. ضدیت با پدیده‌های جدید (متعارف یا محافظه‌کاری و کینه‌گرایی) ویژگی تنها اخوندها نیست؛ همگانی (ملی) است.

1

کشتن مرغ مینا
اولین و تنها رمان منوچهر ستوده در سال ۱۳۰۰

تدریس در دبیرستان‌های آمریکا

فروش کتاب در پنجاهمین سال انتشار ۴۰ میلیون نسخه

اسکرین بهترین کارگردانی فیلم بر اساس این رمان «دربت مایگان» ۱۹۶۲

منبع بسیار مهمی است! باید آن را خواند و فیلم ساخته شده بر اساس رمان را دید! حتی اگر به‌کتاب یا فیلم انتقاد وارد باشد.

اشتباهی صریح به‌ادبیات و هنرهای کشورها برای داشتن چشم باز (مثلاً در بسن قرارداد) از سوی است!

راه مطمئن امتحان شده با پیشینه‌ی ۳۰۰ ساله

کتاب سوری است در عصر قسری (۱۹۲۰-۱۹۲۵) دوران بحران بزرگ اقتصادی و ناآرامی لشکر در ایالت‌های جنوبی آمریکا

Green Boy Alabama

دورانی که آب خوردن هم آداب داشت.

بیمبوری‌ها، ازبوس‌ها، تئاترهای تئاتر، سفید و سیاه داشت.

WHITE WAITING ROOM



از هائری ماسه فرانسوی که اوج فعالیت ایران و ایرانی شناسی اش به زمان صادق هدایت برمی گردد تا ایران شناسی های حی و حاضر، آخرین نسل، با سالی چند روز اتوبوس و مترو سواری در تهران و احياناً برخی شهرها، چون دوست محترم جناب آقای پروفیسور دکتر **اولریش مارزلف** آلمانی چیزی از ما نمانده که آنها خوانده و روی آن تحقیق نکرده باشند ما هم میخواستیم همین کار را بکنیم اما دیدیم مگر احمق ایم؟! گذاشتیم کلر.

